



چهارده خورشید

www.14khorshid.ir اعتقادی، فرهنگ

* کتابخانه چهارده خورشید

* دانلود کتاب های مذهبی، اعتقادی

* دانلود مقالات در زمینه های مختلف اسلامی

ورود به سایت فرهنگی اعتقادی چهارده خورشید

[/http://14khorshid.ir](http://14khorshid.ir)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



حوزه علمیه امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام یاسوج

معاونت پژوهش

موضوع:	دلایل غیبت امام عصر عج
استاد راهنما:	حجه الاسلام والمسلمین افشار
پژوهش گر:	حمیدرضا دانائی طلبه پایه: ۵
سال تحصیلی:	۹۱-۹۲
نیم سال:	اول

چهارماده خورشید

هشدار

* کلیه حقوق این مقاله متعلق به حوزه علمیه امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام یاسوج می باشد.
* هرگونه سوء استفاده شرعاً و قانوناً جایز نمی باشد.

ورود به سایت

کلید واژه

غیبت

علل

آزمایش

حکمت

حجت

سنتهای انبیاء

بدترین مردم

مقدمه:

عقیده به وجود مهدی موعود (عج الله تعالی فرجه الشریف) و امام زنده غایب یک عقیده اسلامی است و از ارکان مذهب امامیه به شمار می رود. عقیده ای است قطعی که به وسیله اخبار متواتر و قطعی الصدور به اثبات رسیده و قابل تشکیک نخواهد بود. لیکن بسیاری از مسایل مربوط به آن نیاز به تحقیق و بررسی دارد. و از قبیل طول عمر، غیبت طولانی، علت غیبت، فوائد امام زمان در زمان غیبت، وظیفه مسلمین در زمان غیبت، و ما بر آنیم تا علل غیبت را از منابع آن بازگو کنیم.

«انشاء الله»

امام دوازدهم دو مرتبه از دیده مردم مخفی شد . مرتبه اول از سال « ۲۶۰ » ه ق شروع شد و تا سال « ۳۲۹ » امتداد یافت . در طول این مدت گر چه از نظر عامه مردم غایب بود لیکن ارتباطات کاملاً منقطع نبود بلکه نواب خدمت ایشان رسیده و احتیاجات مردم را مرتفع می نمودند . غایب بودم در این « ۶۹ » سال را غیبت صغری گویند .

غیبت دوم از سال « ۳۲۹ س » که سال انقراض نیابت نواب بوده شروع شد و تا زمان ظهور امتداد دارد این را غیبت کبری گویند .^(۱)

البته اگر مانعی وجود نداشت ، ظهور آن حضرت اصلح و انفع بود . لیکن چون می بینیم که خداوند متعال آن وجود مقدس را از دیده ها پنهانی داشته است و افعال خداوند با نهایت استحکام و بر طبق مصالح و حکم واقعی صادر می شود ، غیبت آن جناب را نیز علت و حکمتی خواهد بود ، گر چه تفصیلهای برای ما مجهول باشد .^(۲)

در کتاب « کمال الدین » و « علل الشرایع » از مظفر علوی ، ... او از ابی عبد الله (علیه السلام)

روایت نموده آن حضرت فرموده که : قائم ما را غیبتی می شود زمانش طولانی ، عرض کردم که سبب آن چیست ؟ فرمود که خدای عز و جلّ ابا دارد از این که سنت های انبیاء را در غیبتهای ایشان در ماده قائم (علیه السلام) نکند او ناچار است از این که به قدر مدت غیبتهای ایشان غیبت نماید .

چنان که خداوند عزّ و جلّ فرموده : «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ»^(۳)

یعنی : همه سنتهای پیامبران سلف در ماده شما جاری می شود .

(۱). امینی ، ابراهیم، دادگستر جهان، ص ۱۳۱

(۲). همان ، ص ۱۴۶

(۳). انشقاق / ۱۹

نیز از ابن عبدوس، ...، او از عبد الله بن فضل هاشمی روایت کرده، او گفته که : از امام جعفر صادق (علیه السلام) شنیدم می فرمود که : این امر را غیبتی باید ؛ کسانی که از اهل باطلند در اثنای آن غیبت در حق آن حضرت شک و ریب نمایند .
عرض کردم که : فدای تو شوم ، سبب انداختن ایشان به شک و ریب چیست ؟
فرمود سبب آن امری است که در کشف نمودن آن به شما از جانب خدا مأذون نشده ایم . عرض کردم : پس در غیبتش وجه حکمت چیست ؟ فرمود : وجه حکمت در غیبتش همان وجه حکمتی است که در غیبتهای سایر حجج الهی است که در زمان گذشته مدت مدیدی از نظرها غائب گردیده اند ؛ به درستی که وجه حکمت در غیبت قائم ما (علیه السلام) ظاهر نمی شود مگر بعد از ظهورش ؛ چنان که وجه حکمت کارهای خضر (علیه السلام) مانند شکستن کشتی و کشتن طفل و برپا داشتن دیوار برای موسی (علیه السلام) ظاهر نشد مگر در وقت مفارقتشان از همدیگر . (۱)

در کتاب « خرایج » از کلینی ، او از اسحاق بن یعقوب روایت نموده ، او گفته که : از ناحیه مقدسه به توسط محمد بن عثمان برای من بیرون آمد اینکه : علت و سبب غیبت را که پرسیده بیان می کنم . لیکن باز دیگر از این قبیل سؤالا نکنید ، زیرا که خدای تعالی در کلام خود می فرماید :

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَلَّا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِن تُبَدَّلْكُمْ تَسْؤُكُمْ » . (۲)

یعنی : ای کسانی که ایمان آوردید ! مپرسید از پاره ای چیزها زیرا که اگر آنها به شما اظهار کرده شوند ، هر آینه شما را غمگین و اندوهگین می کنند .
بعد از آن فرموده بود که : علت غیبت من این است که هیچ یک از پدران من نشد ، مگر این که بیعت سلطان جابر زمان خود به گردنش واقع گر دید . من خروج نمی کنم در حالتی که احدی را از طغیان کنندگان در گردنم بیعتی نمی باشد . و کیفیت انتفاع بوجود من در ایام غیبتم مانند منتفع شدن است به آفتاب در وقتی که ابر آن را از نظرها بیوشاند .

(۱). مجلسی ، محمد باقر ، مهدی موعود، ج ۱ ص ۶۵۸

(۲). مائده/ ۱۰۱

به درستی که من باعث امان اهل زمینم ، چنان که ستارگان باعث امان اهل آسمانند . بعد از این ، در سؤال نمودن را از پاره ای چیزها که برای شما فایده ای ندارد ببینید و خودتان را در دانستن چیزی که به آن مکلف نشده اید ، به مشقت نیاندازید . دعا را در خصوص تعجیل فرج بسیار کنید ؛ زیرا که ابین باعث فرج یافتن شما است.^(۱)

افتادن شعاع آفتاب به خانه ها به قدر روزنه های آنها به قدر ارتفاع موانع است از افتادن نور به آن خانه ها ، همچنین منتفع شدن مخلوقات به انوار هدایتشان به قدر ارتفاع موانع است از حواس و مشاعرشان که به منزله ی روزنه ها هستند نسبت به دلها ایشان ، و آن موانع عبارت است از شهوات نفسانیه و علایق جسمانیه.

و رفع علایق جسمانیه و رفع شهوات نفسانیه و دفع حجابات کثیفه به جائی منتهی می شود که صاحب این صفت به منزله ی کسی می شود که در زیر آسمان بایستد و شعاع آفتاب از هر طرف به او احاطه نماید، همچنین است حال شیعه نسبت به ایشان، وقتی که حجاب شهوات نفسانیه و علایق جسمانیه را از خود بالمره دور نمود هر آینه شعاع آفتاب فیض ایشان او را از هر طرف فرا می گیرد.^(۲)

در کتاب « کمال الدین » ، از طالقانی ، ... او از ابی الحسن علی بن موسی الرضا (علیه السلام)

روایت نموده آن حضرت فرموده که : گویا شیعه را می بینم که امام چهارمی را از اولاد من نایاب کرده اند . در آن حال برای خودشان چراگاه - یعنی : جای آرام و استراحت - می طلبند و نمی یابند . عرض کردم : یا بن رسول الله سبب اضطراب ایشان چه می شود ؟

فرمود که: امام ایشان غایب و پنهان گردد ، عرض کردم که : علت غیبتش چیست ؟ فرمود : این است که در وقت ظهورش احدی را در گردن وی بیعتی نباشد .^(۳)

(۱). مجلسی ، محمد باقر ، مهدی موعود، ج ۱ ص ۶۶۰

(۲). همان ، ص ۶۶۳

(۳) همان ، ص ۶۶۵

در کتاب علل الشرایع از ابن مسرور،، او از ابی عبد الله (علیه السلام) روایت نموده که: به آن حضرت عرض کردم که چرا امیر المومنین (علیه السلام) در اول امر با دشمنان خود جهاد و قتال ننمود؟ فرمود: ترک قتالش به جهت این آیه بود در کتاب خدا:

(لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً) (۱)

عرض کردم کسانی که مزایلت می کنند کیانند؟ فرمود: نطفه های مومنانند که در اصلاص کافران ودیعه گذاشته شده اند. پس حاصل مضمون آیه وافی هدایت آن است که: اگر نطفه های مومنان از پشت کافران منتقل شوند، هر آینه کافران را به عذاب دردناک معذب می کنیم؛ پس چون امیر المومنین می دانست که در اصلاص دشمنان نطفه مومنان است، از این جهت با ایشان قتال ننمود و ایشان را نکشت، همچنین قائم (علیه السلام) ظهور نمی کند تا وقتی که امانتهای خدا، یعنی: نطفه مومنان از اصلاص کفار و منافقان بیرون آیند وقتی که آنها بیرون آمدند آنگاه آن حضرت بر دشمنان خدا خروج می کند و ایشان را به قتل می رساند (۲).

محمد بن مسلم گوید از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمود: قائم (علیه السلام) پیش از اینکه قیام کند غیبتی دارد، گفتیم: چرا؟ فرمود: به راستی که او می ترسد و با دستش اشاره به شکمش کرد؛ یعنی کشته شدن (۳).

اگر گفته شود که: پدران آن حضرت همه ظاهر بودند و هیچ نترسیدند و چنان نشد که احدی به ایشان نتواند برسد، در جواب گوئیم: حال پدرانمانند حال وی نبود، زیرا که از حال ایشان برای سلاطین آن زمان چنان معلوم بود که ایشان فکر خروج و داعیه ریاست ندارند و اعتقاد سلاطین این نبود که ایشان شمشیر خواهند کشید و دولتها را پایمال خواهند نمود؛

بلکه اعتقادشان این بود که ایشان منتظر ظهور مهدی خودشانند، این اعتقاد ایشان برای دولت سلطان زمان ضرری نداشت.

و حال صاحب الزمان (علیه السلام) چنین نیست زیرا که حال وی معلوم است این که با شمشیر خروج می کند، دولتها را زایل و پایمال می گرداند و ممالک را مسخر می کند و همه

(۱). فتح / ۲۵

(۲). مجلسی، محمد باقر، مهدی موعود، ج ۱ ص ۶۶۶ و ۶۶۷

(۳). کلینی، یعقوب، اصول کافی، ج ۲ ص ۵۶۹

پادشاهان را مقهور می نماید و اساس عدل و داد را بر پا می دارد و جور و ستم را از میان خلاق برمی دارد . پس کسی که دارای چنین صفتی باشد لا محاله از حدّت و شدّت او ترسیده ، آن گاه کسانی که از او می ترسند، چشم به او دوخته به فکر قتلش می افتند . وقتی که آن را مشاهده نموده از شر ایشان احتراز نموده ، خود را از کسانی که به ایشان اطمینان و خاطر جمعی ندارد ، خواه دوست باشد و خواه دشمن ، تا وقت ظهورش مخفی و پنهان می دارد .

و نیز می گوئیم که ظاهر بودن پدرانش (علیه السلام) برای این بود که می دانستند که اگر حادثه ای برای هر یک از ایشان روی دهد ، هر آینه از اولادش کسی هست که در جای وی بنشیند ، و صاحب الزمان (علیه السلام) چنین نبود زیرا معلوم است اینکه پیش از حضور وقت کسی نیست که در جای وی بنشیند . از این جهت غیبت و استتار او واجب شد و حالش در این باب از احوال پدرانش جدا گردید .^(۱)

در نامه مبارک حضرت ولی عصر (علیه السلام) به شیخ مفید ، علت غیبت و طولانی شدن آن چنین آمده است : «فَمَا يَحِبُّنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نُكْرِهُهُ وَ لَا نُؤْثِرُهُ مِنْهُمْ» ؛ باید بدانید که جز برخی رفتارهای نا شایسته آنان که نا خوشایند ما است و ما آن عمل را زبینه شیعیان نمی دانیم ، عامل دیگری ما را از آنها دور نمی دارد . حقیقت این است که انبوهی از روایات به صراحت ، بیانگر این است که تمام اعمال ما ، در عصر هر امام و پیشوایی از پیشوایان معصوم در هفته دو بار در روزهای دوشنبه و پنج شنبه به امام راستین جامعه ارائه می شود . از این رو طبیعی است که امام نمی پسندد که شیعه ی او به راه انحراف و اشتباه و گناه آلوده شود و همین آلودگی به گناه است که توفیق تشریف را از آنان سلب و آنان را از افتخار دیدار محروم می سازد . در همان نامه ی حضرت به شیخ مفید آمده است که : (اگر پیروان و شیعیان ما - که خدا آنان را در فرمانبرداری خویش توفیق تشریف را ارزانشان دارد- به راستی در راه وفای به عهد و پیمانی که بر دوش دارند ، همدل و یکصدا بودند هرگز سعادت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی افتاد) . به راستی او غیبت نکرده است ، ما غفلت کرده ایم . هرچه هست از ماست و باید علت غیبت را در خویش و رفتارمان جستجو کنیم .^(۲)

(۱). مجلسی ، محمد باقر ، مهدی موعود، ج ۱ ص ۶۶۹،۶۷۰

(۲). تونه ای ، مجتبی ، موعود نامه ، ص ۵۰۰

غیبت امام نمی شود مگر بر سر بدترین مردم (یعنی علتش بدترین مردم اند) .^(۱)

همانا این خود یک آزمایش از طرف خدا که خلق خود را به آن بیازماید .^(۲)

معروف بن خربوذ از امام باقر (علیه السلام) فرمود : ما همانا چون اختران آسمانیم هر زمانی اختری غروب کند اختر دیگری از افق بر آید ، چون با انگشت خود امام را نشان دادید و به سوی او گردن کشیدید ، خدا ستاره هدایت شما را نمان سازد .^(۳)

محمد بن فرج گوید: امام باقر (علیه السلام) به من نوشت : چون خداوند تبارک و تعالی بر خلقش خشم کند ما را از جواشان دور کند .^(۴)

احمد بن محمد بن یحیی عطّار ، از حضرت ابی جعفر (علیه السلام) این کلام صادر شد: خداوند وقتی همسایگی طایفه ای را برای ما خوش نداشته باشد از بین آشکار ترین آنها ما را بیرون می کشد .^(۵)

حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) فرمودند: به خاطر آنکه وقتی با شمشیر قیام فرمود احدی حجت و برهان بر آن حضرت نداشته باشد .^(۶)

(۱). کلینی، یعقوب ، اصول کافی ، ج ۲ ص ۵۵۱

(۲). همان، ص ۵۶۱

(۳). همان ، ص ۵۶۷

(۴). همان ، ص ۵۸۵

(۵). صدوق ، علل الشرایع ، ج ۱ ، ص ۷۷۹

(۶). همان ، ص ۷۸۵

سید مرتضی فرمود: بعد از آنکه نقل و عقل بر آن دلالت کرد بر آنکه زمان تکلیف خالی از امام نمی شود و نیز دلالت کرد بر آنکه آن امام و رئیس باید معصوم باشد از فعل قبیح و عمل حرام ، پس لابد با عدم حضور ، باید غائب دانیم او را ؛ زیرا که فاصله میان حاضر و غایب نشاید و چون غائب دانستیم ، لابد باید غیبت او منوط به حکمت و مصلحت باشد ؛ زیرا که قبیح از او نیاید ، بلکه لغو و عبث و دانستن وجه حکمت و مصلحت علی التعین

لازم نباشد ، چنانکه وقوع آیات متشابه یا ظاهر در جبر یا تشبیه در قرآن یا احراز حکمیت در خداوند ، لابد منوط به حکمت باشد و علم به وجه آن علی وجه التفصیل لازم نباشد .^(۱)

سید مرتضی علم الهدی فرموده: آن بزرگوار غایب شده به سبب خوف بر تلف نفس خود ، زیرا چون بر نفس خود بترسد ، غیبت واجب باشد . به خلاف آنکه خائف بر مال باشد ، یا آنکه بر اذیت نفس (خود بترسد) ، که در این حال باید از برای اتمام حجت بر مکلفین متحمل شود .

ووجه وجوب غیبت بر فرض اول ، آن است که اگر کشته شود ، کسی نباشد که جانشین و خلیفه او باشد ؛ زیرا که آسیای امامت به وجود مقدس او گردش می کند و دور می زند و دولت او آخر دولتها باشد ، به خلاف آباء طاهرین او . به سبب آنکه ، با ظهور اگر کشته می گردیدند ، می دانستند که دیگری هست که در جای او بنشیند .

به علاوه اینکه خوف این بزرگوار ، از پدران عالیقدر زیاده بوده ؛ زیرا که امام گذشته به شیعیان خود به طریق سرّ خبر داده بودند که صاحب شمشیر ، امام دوازدهم است و اینکه اوست که زمین را پر از عدل و قسط نماید ، و اینکه دولت او بر همه دولتها غالب شود و در ظهور و خروج او باشد هلاکت دولت طغات .

پس ، سلاطین ظالم در هلاک کردن پدران گرام او بسا بود که اهتمام نمودند؛ زیرا می دانستند

(۱). عراقی میثمی ، محمود ، دار السلام ، ص ۱۳۷ ، ۱۳۸

که ایشان خروج به شمشیر می نماید ، و تأخیر می داشتند آن را تا زمان خروج دوازدهم

ایشان ، تا آنکه او را بکشند و دولت او را مغلوب نمایند و از این جهت بود که چون حضرت عسکری (علیه السلام) ا دفن کردند ، سلطان مضطرب گردید و در طلب فرزند ارجمند او بر آمد و در منازل و خانه های آن حضرت تفتیش بسیار نمودند و در تقسیم میراث آن حضرت توقف کردند و آن کنیز را که گمان حمل داشتند ، جمعی بر او گماشتند که تا دو سال ملازم او بودند ، تا آنکه مایوس شدند و آن بزرگوار با آنکه از انظار عامه غایب بود ، خود را به شیعیان خاص و موالی خود می نمود . و توقیعات از جانب او به سوی ایشان بیرون آمد مشتمل بر فنون مسائل و احکام ، و باقی ماند بر این حال تا مدت شصت سال تا آنکه امر او شدید گردید و طلب بر او بسیار شد و در مقام تفحص از خواص و موالی او بر آمدند پس آن بزرگوار بترسید بر نفس خود و خواصان خود از شیعیان در دولت معتضد عباسی ، پس غیبت کبری نمود و خود را الی الآن از انظار مستور فرمود . «وقفنا الله لادراک حضوره انشاء الله» .^(۱)

وارد شده از حضرت صادق (علیه السلام) که: سبب غیبت و تأخیر این امر، آن است که زمان دولتهای باطل بگذرد و تا آنکه نگوید یکی از ایشان که: اگر من مالک و حکمران بودم ، هر آینه عدالت و احسان به زیردستان خود می نمودم . پس خداوند ایشان را قبل از آن حضرت مالک گردانید ؛ زیرا که دولت مهدی آل محمد (علیهم السلام) آخر دولتها است و متصل به قیامت می شود . چنان که در اخبار متواتره وارد شده تا آنکه از برای احدی از ایشان، بر خداحجت نباشد .^(۲)

علت غیبت آن حضرت از مؤمنین و دوستانش

آن است که اولیاء دو طایفه اند ؛ اول ، کسانی که اعتقادشان به امامت آن بزرگوار ، به دلالت حدیث ، ثابت و راسخ باشد که «لا تحرکه العواصف» و طول غیبت و ورود شدت ، باعث تزلزل و تردد او نگردد .

طایفه دوم ، آن که به سبب طول غیبت متزلزل شود ؛ بلکه از اعتقاد به امامت او برگردند و مرتد گردند . پس سبب غیبت از اولیاء آن باشد که این دو طایفه از یکدیگر جدا شوند

(۱). عراقی میثمی ، محمود ، دار السلام، ص ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰

(۲). همان، ص ۱۴۱، ۱۴۲

و محب واقعی و صوری از یکدیگر تمییز داده شود و وجه استحقاق فرقه اول را ثواب و فرقه دوم عقاب را ، دانسته شود ؛ چنانکه نوح (علیه السلام) را بعد از دعوت ، جماعتی اجابت و اطاعت کردند.

تا آنکه به جهت تمیز محق از مبطل ، نوح را خدا وعده کرده به اینکه این تخم ها را غرس کنی و درخت شود ، فرج نزدیک گردد ؛ (داشتن تخمها و درخت شدن آنها) تا هفت مرتبه ادامه یافت و قوم گمان که بلا فاصله فرج می رسد و نرسید .

لهذا در هر مرتبه طایفه ای از ایشان مرتد گردیدند و باقی نماند مگر محبین و دلالت می کند دبراین ، جمیع آیات و اخبار داله بر وجوب اختبار و افتتان و امتحان . مثل آیه شریفه «احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لا یفتنون»^(۱) ؛ یعنی : آیا مردم گمان کردند اینکه واگذاری ایشان را به آنکه گویند ایمان آوردیم ، و ایشان را امتحان ننماییم !؟

وقول امیر المومنین در بعض خطابات خود، که فرمود: «لتبلیبن ببلبة و لتغربلن غربلة و لتساطن سوط القدر حتی یعود اسفلکم اعلاکم و اعلاکم اسفلکم» یعنی هر آینه باید مبتلا شوید مبتلا شدنی و غربال شوید غربال شدنی و تازیانه زده شوید چنان که دیک را تازیانه می زنند ، تا آنکه بالای شما پایین شود و زیر شما بالا گردد .

یعنی باید امتحان شوید تا آنکه نیک و بد شما از یکدیگر جدا شود ، و این عبارت در بعض اخبار از حضرت صادق (علیه السلام) روایت شده . و سبب این امتحان شدید در این عصر ؛ آن است که روی زمین از کثافت باطل در زمان ظهور آن بزرگوار بالمره (=به طور کلی) پاک گردد ، چنانکه در زمان نوح (علیه السلام) گردید.^(۲)

(۱). عنکبوت/۲

(۲). عراقی میثمی ، محمود ، دار السلام، ص ۱۴۵، ۱۴۴

نتیجه بحث:

آنچه که از بحث معلوم می شود آن است که دلیل غیبت و طولانی شدن آن عدم آمادگی بشر برای ظهور است و از آن جایی که کنترل اراده خداوند از دست ما خارج است ما باید بکوشیم موانع ظهور جمعی را برطرف کنیم و حداقل آن است که با انجام وظایف خویش و استدعای فرج از خداوند منان ، موانع ظهور فردی را کنار بزنیم و چراغ دل را با زیارت ایشان روشن کنیم . انشاء الله

و من الله توفیق

منابع:

ردیف	کتاب	جلد	مآلف	چاپ	سال	انتشارات
۱	اصول کافی	۲	یعقوب کلینی	یازدهم	۱۳۸۹	اسوه چاپخانه قرآن کریم قم
۲	علل الشرایع	۱	صدوق	یازدهم	۱۳۹۰	مومنین شریعت قم
۳	دار السلام	۱	محمود عراقی میثمی	اول	۱۳۸۳	مسجد مقدس جمکران سرور قم
۴	مهدی موعود	۱	محمد باقر مجلسی	ششم	۱۳۸۳	مسجد مقدس جمکران اسوه قم
۵	موعود نامه	۱	مجتبی تونه ای	بیست و چهارم	۱۳۸۴	میراث ماندگار کوثر قم
۶	دادگستر جهان	۱	ابراهیم امینی	شانزدهم	۱۳۷۶	انتشارات شفق قدس قم ۱۶